

مؤلفه‌های جهانی شدن فرهنگ اسلام با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

محمد سلطانیه^۱

چکیده

جهانی شدن یک فرایند طبیعی است که در جهت تحول همه‌جانبه علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی پدید آمده است. جهانی شدن به‌عنوان یک فرصت، می‌تواند بهترین زمینه را برای معرفی و اشاعه فرهنگ اسلام ایجاد کند؛ البته مشروط به بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های آن که مهم‌ترین آن‌ها رشد آگاهی مردم و تبیین و نشر تعالیم اسلام به‌وسیله پیروان اسلام اصیل و ناب محمدی است. هدف مقاله پیش‌رو، شناخت و ارائه ظرفیت‌هایی است که دین اسلام در عرصه ارتباطات بین‌فرهنگی برای جهانی شدن دارد؛ زیرا شناخت این مؤلفه‌ها نیاز به فهم عمیق جهان‌بینی اسلامی دارد و با توجه به سطح تأثیرگذاری آن مسئله که حاکمیت‌های جهان را مورد مخاطره قرار خواهد داد، نیاز است تا این مؤلفه‌ها را براساس اندیشه‌های یک حاکم فقیه اسلام‌شناس به‌دست بیاوریم. امام خمینی (ره) با توجه به برپایی یک حکومت اسلامی فعال در عرصه اجتماعی، بهترین شخصیت برای بازشناسی این مؤلفه‌ها است. درمجموع، یافته‌های این مقاله که با روش توصیفی تحلیلی به این مسئله پرداخته است، بر جهانی شدن اسلام به‌عنوان یک فرهنگ جامع، عقلانی و فطری براساس ادله عقلی، قرآنی و روایی، به‌صورت قطعی و قابل‌اثبات تأکید دارد. اسلام یک نظام جامع و جهان‌شمول است که براساس اصول و ارزش‌های اصیل عقلانی و معنوی می‌تواند زمینه‌های مقبولیت جهانی را ایجاد و پویایی خود را تضمین کند.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات بین‌فرهنگی، اسلام، جهانی شدن، ظرفیت، فرهنگ.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی-مشهد-ایران؛ گروه علوم اجتماعی؛ m.soltanieh@razavi.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرایند اجباری برای انسان امروز، می‌تواند هم تهدید و هم یک فرصت به‌حساب آید؛ زیرا عصر جدید، عصر رسانه است و با توجه به بستر رسانه‌ها، دنیای مجازی، جنگ نرم و ویژگی‌های عصر جدید، لحظه‌ای غفلت موجب نابودی فرهنگ خودی و تسلط فرهنگ بیگانه می‌شود. در حال چون بشریت محتاج تمدن و فرهنگ است تا ذیل آن زندگی کند، باید یک تمدن اصیل و بلامنازع عهده‌دار این امر باشد تا در برابر جنبه‌های منفی دیگر فرهنگ‌ها ایستادگی کند. با بررسی تاریخ انبیاء، به‌خصوص نبی گرامی اسلام، مشخص می‌شود برای رسیدن به این هدف باید مؤلفه‌های برتری اسلام را شناسایی و به دیگران معرفی کنیم تا دل‌های سلیم بدان گرایش پیدا کند و جامعه آرمانی نیز ساخته شود. مفاهیم پویا و زنده، آموزه‌های انعطاف‌پذیر و عقلانی اسلام، توان بیشتری را برای مدیریت این عرصه در اختیار گذاشته است که رسالت متفکران اجتماعی مسلمان، بر اهمیت این مسئله می‌افزاید؛ تا آنجا که اعتقاد به خاتمیت دین اسلام، ضرورت پاسخگویی به نیازهای انسان‌ها را در همه جوامع و در همه زمان‌ها و مکان‌ها روشن می‌کند و موضوع جهانی‌بودن فرهنگ اسلامی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی فرستاده‌شده برای بشریت، بعد زمان و مکان را درنور دیده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این دین، جهان‌شمول‌بودن آن است که خاتمیت پیامبر گرامی اسلام دال بر این امر است. فرهنگ اسلام (یعنی فرهنگی که اسلام آن را ترسیم کرده است؛ نه آنچه مسلمانان به نمایش می‌گذارند) دارای ظرفیت‌هایی است که به سبب آن، قاعده معروف «الإسلام یعلو وکلاً یعلی علیّه» تبیین شده است. این قاعده خبری بیانگر این است که ذات اسلام دارای این ویژگی است و دینی که این مقدار قابلیت تعمیم داشته باشد، زندگی همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امام خمینی (ره) به‌عنوان فقیهی مطرح شده است که در عصر مدرنیته، پرچم این دین را در نظام‌ها و ایدئولوژی‌های عصر کنونی برافراشت و مقدماتی را مهیا کرد که این نظام بعد از چهار دهه، در مسیر پیشرفت و در برخی از امور، در قله وجود دارد؛ بنابراین بازخوانی اندیشه‌های ایشان برای کشف ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اسلام برای جذب انسان‌ها بسیار مهم است تا در مسیر مواجهه بین فرهنگ‌ها، فرهنگ اسلام به‌عنوان الگوی پذیرفته‌شده انسان‌ها قرار بگیرد. از بعد دیگر ظهور انقلاب

اسلامی که متعلق به باورها و اخلاق اسلامی بود و براساس ادای تکلیف الهی شکل گرفت، در صحنه سیاست امری نو و استثنایی به حساب می‌آید، به‌ویژه آنکه در عرصه حکمرانی توفیقات فراوانی هم به‌دست آورده است (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۱۶)؛ بنابراین ضرورت پرداختن به این موضوع، در راستای تأمین مقدمات لازم جهت گسترش اسلام به‌عنوان فرهنگ غالب است تا بتوانیم زمینه‌های لازم برای ظهور و بروز جهانی اسلام را مهیا کنیم. مسائل دیگری مانند کشف استعدادها و نهایت‌های نهانی اسلام، پرده‌برداری از مفهوم برخی آیات در این راستا و مسائلی از این دست، نیز به‌صورت جانبی روشن و شفاف خواهد شد.

هدف و پرسش پژوهش

این مقاله با هدف آشنایی با مؤلفه‌های جهانی شدن فرهنگ اسلام براساس دیدگاه و اندیشه‌های یک حاکم اسلامی فعال در عرصه‌های اجتماعی نظیر امام خمینی (ره) تدوین شده است. شناخت این مؤلفه‌ها براساس دیدگاه امام، امکان بازشناسایی آن را برای آحاد مردم و ملت‌ها فراهم خواهد ساخت؛ چرا که بروز انقلاب اسلامی در عصر حاضر، این فرصت را در بازه زمانی قرن بیستم و در دایره جغرافیایی ایران ممکن ساخته است و امکان بازنشر آن در همه موارد و براساس این نگاه عمیق ممکن خواهد بود.

با توجه به موضوع تحقیق و اهمیت آن در فرایند معرفی اسلام به جهانیان با اصول علمی صحیح، در پژوهش یک پرسش اصلی وجود دارد: از نگاه امام خمینی (ره) چه مؤلفه‌هایی برای جهانی شدن فرهنگ اسلام وجود دارد؟ بعد از شناخت این مؤلفه‌ها، سؤالات فرعی دیگری مطرح خواهد شد که بدین‌صورت است: ماهیت این مؤلفه‌ها چگونه کشف خواهد شد؟ امام خمینی (ره) این مؤلفه‌ها را چگونه تبیین کرده است؟

پیشینه پژوهش

موضوع جهانی شدن و ارتباطات فرهنگی جزء موضوعاتی است که مقالات و کتاب‌های متعددی در رابطه با آن نگاشته شده است. بحث جهانی شدن، به دلیل وسعت نظری آن، مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان قرار گرفته و موضوع روز صاحب‌نظران شده است، اما کاستی همه این

تحقیقات انجام شده، در این موضوع است که یا توجهی به فرهنگ اصیل اسلام نشده یا به صورت بسیار اجمالی به آن توجه شده است. آنچه تحقیق ما را از سایر تحقیقات متمایز می‌کند این است که فرهنگ اسلام، محور اصلی برای جهانی شدن در بین تمام فرهنگ‌ها دانسته شده است. مقالات مرتبط با این حوزه بدین شرح است:

۱. جهانی شدن و دین، دو روایت و چند پرسش، هادی خانیکی، عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی.

اساسی‌ترین جنبه جهانی شدن، تراکم زمان و مکان است که بر اندیشه اشخاص تأثیر می‌گذارد. این فرایندهای جهانی، سازنده واقعیت اجتماعی است. در این چارچوب، جهانی شدن دین سه جنبه دارد: تغییر نمادهای مذهبی، ایجاد ویژگی‌های جدید در محتوای مناسک و شعائر و بروز تغییرات در همه ادیان و مذاهب. همین امر، درک تمایزها، هویت‌های دینی و هنجارهای مذهبی ملل مختلف را به ارمغان می‌آورد.

ارتباط این مقاله با پژوهش پیش رو، در زمینه مسائل جهانی شدن دین هست. بررسی جنبه‌های جهانی شدن دین و سطوح مختلف آن ما را کمک خواهد کرد، اما وجه تمایز، موضوع اصلی پژوهش، یعنی بیان ظرفیت‌های اسلام برای جهانی شدن هست.

۲. جهانی شدن و فضای مذهبی، سعیدرضا عاملی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

عاملی معتقد است روند عمومی جهانی، معرف ظهور نوعی از ارزش‌های مشترک الهی است که مورد قبول همه ادیان است و نوعی عام‌گرایی دینی را تجلی می‌دهد. مهم‌ترین روند معکوس جهانی شدن، اندیشه «عدالت برای همه» است. این امر به عنوان یک تمایل عمومی، عصبیت‌های نژادی و صنفی را شکسته و این امر، خود منشأ ظهور روندی جدید در جابه‌جایی قدرت در جهان آینده است.

این مقاله روندی را به تصویر کشیده است که طبق آن، هرکسی بخواهد در عرصه جهانی شدن غالب شود، باید با فرهنگی در این میدان و معرکه وارد شود که آن فرهنگ، حاوی ارزش‌های مشترک ادیان باشد. بیان یکی از این ظرفیت‌ها به نام عدالت مبحث مرتبط این مقاله با پژوهش حاضر است.

۳. حکومت جهانی اسلام و جهانی شدن، سید عبدالقیوم سجادی، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم.

جهانی شدن دارای ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین آن را در محورهایی مانند رشد علم، فناوری ارتباطی، فشرده شدن فضا و زمان و... می‌توان مطرح کرد. جهانی شدن، فرصت‌های جدیدی را برای جوامع بشری ایجاد می‌کند، اما آن‌ها را به صورت برابر توزیع نکرده است. فاصله طبقات اجتماعی را بیشتر می‌کند، ولی از برخی جنبه‌های جهانی شدن، نظیر رویه فناورانه، می‌توان برای فهم بهتر حکومت جهانی اسلام بهره برد و با استفاده از آن، منطق قدرتمند و سازگار با فطرت اسلام را به دیگران منتقل کرد؛ بنابراین اگرچه رویه ایدئولوژیک جهانی شدن، نفی حکومت جهانی اسلام است، از رویه فناورانه آن، می‌توان ابزاری کارآمد برای بسط تعالیم دین اسلام فراهم کرد.

ارتباط این مقاله با پژوهش ما، در این حد است که بیان ویژگی‌های جهانی شدن و استفاده از جنبه‌های ابزاری آن، برای پیشبرد فرهنگ اسلام لازم و ضروری است.

۴. چالش دین و جهانی شدن، سید محمدحسن حجازی، پژوهشگر رشته علوم پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

در شرایط فعلی، جهانی شدن یک فرایند است نه طرح. به عبارتی، جهانی شدن در اقتصاد و سیاست رخ داده است، اما بحث فرهنگ، مناقشه برانگیزترین قسمت جهانی شدن است. سخن دین در عرصه جهانی شدن، باید برای کاستن از رنج‌های بشر معاصر و یافتن معنا برای زندگی باشد، اما اگر دین در قالب ساختار اجتماعی و نظام سیاسی بروز کند، با تکیه بر ساختار دولت ملی، نمی‌توان به ترویج نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر دین پرداخت؛ از این رو هر دینی که در نظام سیاسی، از برآوردن این اهداف ناتوان باشد، در جهانی شدن سخنی نخواهد داشت.

نگارنده معتقد است دین در عرصه جهانی شدن، با چالش‌هایی روبه‌رو است که باید برای آن برنامه داشته باشد. سخن ما نیز همین است که اسلام، تمامی وجوه و ابعاد جهانی شدنش را سنجیده و خود را به‌عنوان دین جهانی مطرح کرده است. بدین ترتیب تمایز پژوهش پیش‌رو همچنان که گذشت، محوریت شناخت مؤلفه‌های جهانی شدن برای تأثیرگذاری است.

تعریف مفاهیم

فرهنگ

فرهنگ یکی از دو یا سه واژه بسیار پیچیده است. سه نوع کاربرد رایج، برای اصطلاح فرهنگ وجود دارد:

۱. اشاره به رشد فکری، روحی و زیبایی‌شناختی فرد، گروه یا جامعه؛
 ۲. دربرگرفتن تعدادی از فعالیت‌های ذهنی، هنری و محصولات آن‌ها؛
 ۳. برای مشخص کردن کل راه و رسم زندگی، اعمال، فعالیت‌ها، باورها، آداب و رسوم تعدادی از مردم (فیلیپ اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۳).
- تعاریف مختلف و متنوعی از فرهنگ شده است که به دو دسته تعاریف توصیفی و تاریخی اشاره می‌شود:

۱. تعاریف توصیفی: فرهنگ مثل یک کلیت جامع در نظر گرفته شده است که زندگی اجتماعی را می‌سازد و عرصه‌های گوناگون تشکیل‌دهنده آن را دربرمی‌گیرد. به عبارتی «فرهنگ کل پیچیده‌ای است که دانش، باور، هنر، قوانین، اخلاقیات، رسوم و هرگونه قابلیت‌ها و عادات دیگری را شامل می‌شود که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه فراگرفته است».
 ۲. تعاریف تاریخی: فرهنگ، میراثی است که در طول زمان، از طریق نسل‌ها انتقال یافته است. به عبارتی «فرهنگ گردآوردن کل میراث اجتماعی و سازمان‌دهی آن است که به‌واسطه سرشت نژادی و حیات تاریخی یک گروه معین، معنای اجتماعی یافته است» (همان: ۱۵).
- از این‌رو منظور از فرهنگ، راه‌هایی است که در آن‌ها، مردم به‌طور فردی و جمعی از طریق ارتباط با یکدیگر به زندگی خود معنا می‌بخشند. در واقع هدف امر فرهنگی، معنادار کردن زندگی است (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۴۷). اما در نگرش امام، فرهنگ اسلامی فراتر از تعاریفی است که تاکنون از سوی دانشمندان و علما بیان شده است و جایگاه فرهنگ در نگاه ایشان با دیگران بسیار متفاوت است. امام (ره) فرهنگ را کارخانه آدم‌سازی می‌داند: «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است. فرهنگ سایه‌ای است از نبوت» (صحیفه نور، ۱۳۷۰، ج ۶: ۲۳۶) و معتقدند که «اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد» (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۲۴۳). ایشان مهم‌ترین راه تضمین استقلال یک ملت و رهایی کامل آن از دام شیطنت

دشمنان را، اصلاح و استقلال فرهنگ آن ملت می‌داند. «قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت، فرهنگ صحیح باشد» (صحیفه نور، ۱۳۷۰، ج ۷: ۷۴). به همین دلیل است که می‌توان ادعا کرد که هویت تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی مبتنی بر پذیرش نقش دین در عرصه حیات فردی و اجتماعی بوده است (دادفر، ۱۳۸۱: ۱۳۷)؛ بنابراین آنچه از تعاریف مذکور به دست می‌آید و مبنای ما در این نوشتار محسوب می‌شود، این است که حوزه فرهنگ، حوزه هنجارها، ارزش‌ها و باورها است. فرهنگ اسلام که داعیه جهانی شدن آن را داریم، در حوزه هنجارها و ارزش‌ها، مدنظر است.

جهانی شدن

«جهانی شدن عبارت است از درهم‌فشرده شدن جهان و تبدیل آن به مکان واحد». جهانی شدن، حرکتی منحصر به دنیای معاصر نیست؛ البته جهانی شدن، اگرچه به معنای یگانه شدن جهان است، یگانه شدن را نباید با مفهوم ادغام اشتباه گرفت. جهانی شدن، فرایندی است که در آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر، به هم پیوند می‌خورند (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۷). جهانی شدن یک فرایند مستقل است که منطق و نیروی محرک خود را دارد. به عبارتی جهانی شدن با نظم و سامان جهان سروکار دارد (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۲). به همین دلیل، جهانی شدن یک پروژه تعیین شده نیست، بلکه یک روند است که براساس آن، نوع ارتباط جدید افراد انسانی را با جهان شکل می‌دهد. اگر در گذشته، افراد انسانی بیشتر در ارتباط با ملت و ملیت خاص هویت می‌گرفتند، اکنون فرایندی در جهان است که هویت افراد براساس آن ساخته می‌شود (همان: ۳۱۱)؛ بنابراین براساس این تعاریف، اگر فرهنگ اسلامی براساس اندیشه‌های مصلحانی مانند امام خمینی (ره) تبیین شود، این امکان برای ساخت هویت مردم جهان براساس فرهنگ اسلامی وجود خواهد داشت.

فطرت

«فطرت» در لغت، واژه‌ای عربی از ماده «ف، ط، ر» بر وزن «فعله» است که برای بیان حالت فعل استعمال می‌شود (فیومی، بی تا: ۴۷۶). «فطرت» به معنی شکافتن و آفریدن ابتدایی (ابن منظور،

۱۴۰۳: ۲۵۸) و گشودن و ابراز کردن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۰). براساس گفته امام، اهل لغت و تفسیر گویند: «فطرت به معنای خلقت است. در صحاح است: الفطرةُ بالكسرِ الخلقَةُ، و تواند بود که این فطرت مأخوذ باشد از فطر به معنای شق و پاره کردن؛ زیرا خلقت، گویی پاره کردن پرده عدم و حجاب غیب و به همین معنی نیز افطار صائم است» (خمینی، ۱۳۷۳: ۱۷۹). اما در اصطلاح، فطرت با بار معنایی آن در محدوده دین و انسان، نخستین بار در قرآن مجید به کار رفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۶۷) و می توان گفت قرآن مبدع معنای فطرت است. فطرت در ساحت‌های گوناگون (انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، دین‌پژوهی و...) مطرح است. این فطرت، مخصوص انسان است و با معنای طبیعت و مقتضای خلقت که بین موجودات مشترک است و امام نیز بدان اشاره کرده‌اند (خمینی، ۱۳۷۳: ۳۲۳) متفاوت است؛ بنابراین مقصود از فطرت‌الله که خدای تعالی مردم را بر آن مفلور کرده است، حالت و هیئتی است که خلق را بر آن قرار داده است که از لوازم وجود آن‌ها و از چیزهایی است که در اصل خلقت، خمیره آن‌ها بر آن منخرم است (همان: ۱۸۰).

عقلانیت

عقل در لغت به معنای امساک، پیوند دادن و نگه‌داشتن است. عقل به قوایی گفته می‌شود که آماده پذیرش علم و دانش و گاهی نیز به دانشی می‌گویند که به وسیله همین قوه به دست آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل ماده ع ق ل). در قاموس چنین آمده است: عقل الشيء، فهمه (فیروزآبادی، ۴، واژه عقل).

در اصطلاح، عقل جوهر بسیطی است که به وسیله آن، واقعیت‌ها دریافت می‌شود (کرجی، ۱۳۷۵: ۷۱). عقل در فرهنگ قرآن، به دو معنا به کار رفته است. یکی ادراک و دیگری نیروی دراکه انسان که قادر است حقایق امور، خیر و شر و منفعت و مضرات آن‌ها را دریابد و هدایتگر انسان در زندگی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۹)؛ زیرا عقل نیز مظهر علم حق است (خمینی، ۱۳۸۹: ۷۱). از نگاه روایات نیز عقلی که در مسیر مخالف مسیر دینی به کار گرفته شود، عقل نیست و از آن به «نکراء» و «شیطنت» تعبیر شده است. به عبارتی اگر عقل نظری به عقل عملی منتهی شود، آن زمان است که مایه سعادت انسان می‌شود (اردبیلی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۴۱-۳۴۲). از

امام صادق علیه‌السلام از حقیقت عقل سؤال شد. حضرت فرمودند: آنچه به وسیله‌اش خداوند رحمان پرستش شود و بهشت به دست آید. سائل پرسید: پس آنچه معاویه داشت چه بود؟ حضرت علیه‌السلام فرمود: آن، نکراء و شیطنت است و شبیه عقل است، ولی عقل نیست (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۱). برخی عقیده دارند این احادیث دلالت بر عقل عملی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۱۹). عقل عملی قوه‌ای است که کنش و رفتار آدمی را کنترل می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۵۳) و نیرویی است که با آن، هر عملی انجام می‌شود. امام کاظم علیه‌السلام، عقل را رسول حق و پیامبر درونی معرفی کرده است (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۵). حضرت علی (ع) عقل را پاک‌کننده بدی‌ها و امرکننده به خوبی‌ها می‌داند «العقلُ مُنْزَرَةٌ عَنِ الْمُتَنَكَّرِ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ» (همان: ۶۱). از این آیات و روایات به‌خوبی برمی‌آید که اسلام اهمیت فراوانی به عقلانیت داده است؛ زیرا خدا خالق عقل و تجلی در آینه عقل، تجلی به جمیع شئون است (خمینی، ۱۳۷۷: ۲۵). گزینش دین و پیروی از آن نیز از دیدگاه اسلام، به‌وسیله عقل صورت می‌گیرد. با عقل و استدلال عقلایی است که آدمی پیروی از دین را سعادت‌بخش می‌داند (شریعتی، ۱۳۸۷: ۶۴). به عبارتی در نگاه امام راز ارزشمندی «عقل» همین انتساب آن به حق تعالی است که معبری برای رسیدن به حق به‌شمار می‌رود (خمینی، ۱۳۷۴: ۲۱۸).

روش پژوهش

با توجه به پرسش ارائه‌شده، مشخص است که پژوهش، از نوع اکتشافی و توصیفی است. از این رو دارای فرضیه خاصی نیست. درعین‌حال، می‌توان گفت اسلام دارای ابعاد جهان‌شمولی است و در صورتی که ارائه درستی از آن صورت گیرد، فرصت‌های فراوانی برای پذیرش همگانی و به عبارتی، جهانی‌شدن آن به‌وجود می‌آید. این ارائه باید مبتنی بر اصولی باشد که در این تحقیق به آن اشاره خواهد شد. در بررسی حاضر، تلاش شده است پژوهشی بنیادین با استفاده از روش اکتشافی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، با مراجعه مستقیم به اسناد و مراجع دست‌اول انجام شود. با توصیف داده‌ها و اسناد و تحلیل و مقایسه آن‌ها تلاش شده است نتیجه‌ای مطلوب و پذیرفتنی عرضه شود.

یافته‌های پژوهش

اسلام در مواجهه با امواج گوناگون فرهنگ‌ها و تحولات جهانی، با مسائل و چالش‌های گوناگونی مواجه شده است. مسلمانان در چند دهه گذشته، احساس به چالش کشیده شدن، به‌وسیله نوگرایی جدید دارند (نکوئی سامانی، ۱۳۸۷: ۲۵۵). کشف ظرفیت‌هایی که دین مبین اسلام، به‌عنوان آخرین دین الهی فرستاده شده برای بشریت، برای ظهور در عرصه جهانی شدن و غلبه بر همه فرهنگ‌ها دارد، نیاز به تحقیق فراوان دارد که با مراجعه به نظرات و تفکرات اسلام‌شناسانی که خود مصلح اجتماعی هم بوده‌اند، کشف این مهم ممکن خواهد بود. بر همین اساس، امام (ره) تربیت انسان صالح را در رأس برنامه‌های انقلابی خویش قرار داده است (افتخاری، ۱۳۷۷: ۱۵۷) و به‌صراحت گفته‌اند که «آن‌قدر که انسان غیرتربیت‌شده مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آنقدر مضر نیست و آنقدر که انسان تربیت‌شده مفید است برای جوامع، هیچ ملانکه‌ای و هیچ موجودی آنقدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۱۵۳). در این نگرش، باور انسان بنیان تمام امور، در زمینه‌های فردی و اجتماعی است. «اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی و شکست است و باور انسان، تمام امور است» (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). به همین دلیل، باید زمینه تربیت انسان را کشف کرد تا بر همان اساس، روند تبیین جهانی‌بینی را شروع کرد؛ بنابراین شناخت مؤلفه‌های جهانی‌شدن فرهنگ اسلام، دستاورد این مقاله است که این مؤلفه‌ها براساس اندیشه امام خمینی (ره) به شرح زیر قابل تبیین است.

فطری بودن اسلام

انسان فطرتاً خداجو و حق‌جو است و به دین و اخلاق گرایش دارد و اکثریت مردم نیز به این ندا پاسخ می‌دهند. علمای اسلام به‌تبع قرآن و روایات تصریح دارند که مردم در نهاد خود به دنبال حق هستند، اما در مواردی خطای در تطبیق دارند. اگر روزی هجوم تبلیغات مسموم علیه ارزش‌ها برداشته شود و چهره حق همان‌گونه که هست، جلوه‌گر شود، روشن می‌شود که اکثریت به آن روی می‌آورند. اسلام دارای مقرراتی است که با طبیعت و سرشت انسانی هماهنگی کامل دارد؛ زیرا در آن به همه خواسته‌ها و نیازهای طبیعی و انسانی بشر توجه شده و

هیچ چیز از نظر دور و فروگذار نشده است (طباطبایی، بی تا: ۱۲). از مهم‌ترین علل جهانی شدن اسلام، هماهنگی آن با فطرت انسان به عنوان خاصه خلقت (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۱) است. بهترین گواه بر فطری بودن دین، این است که پیوسته بشر در طول تاریخ دیندار بوده و اگر در مقطع زمانی یا مکانی خاص، بنا به عللی از دین دور مانده است یا از آن گریزان بوده است، باز پس از مدتی با فراهم شدن زمینه لازم به اصل و فطرت خویش برگشته و به دینداری روی آورده است.

اثبات فطری بودن دین

مراد از فطری بودن دین، سازگاری و تطابق آن با ذات انسان است، نه تحمیل آن. به عبارت دیگر، منظور از فطری بودن دین این است که دین و آموزه‌های دینی، پاسخ به ندای درونی انسان است. حتی امام در مقام بیان امور فطری، برخی از مصادیق را به گونه‌ای بیان کرده‌اند که بالفعل بودن سازگار است؛ برای مثال، معتقدند که عقل خداداد هرکس حکم می‌کند که قبول کردن هر دعوایی بی دلیل و برهان روا نیست و کسی که بی دلیل چیزی را قبول کند، از فطرت خارج است (خمینی، بی تا: ۴۵). امام صریحاً اعلام کرده‌اند که استادش (مرحوم شاه‌آبادی) معارف و احکام فراوانی را با فطرت به اثبات رسانده‌اند. بیشتر قریب به اتفاق احکام الهی مطابق با مقتضای فطرت، بلکه مسطور انسان‌ها است. فطرت اختصاص به توحید ندارد، بلکه جمیع معارف حقه از اموری به‌شمار می‌رود که حق تعالی بندگان را به آن مفطور فرموده است (خمینی، ۱۳۶۲: ۱۸۰).

الف) ادله عقلی

۱. تضمین سعادت

تمامی موجودات مادی، اعم از جاندار و بی جان در حرکت تکاملی‌اند و همچنان منازل کمال را طی می‌کنند تا به آخرین مرحله برسند. انسان از هدایت عامه برخوردار است و زمانی به کمال و سعادت واقعی خویش می‌رسد که اجتماعی صالح برپا کند؛ اجتماعی که در آن قوانین صالح حکومت کند و قوانینی که ضامن رسیدن انسان به سعادت است. این قوانین باید براساس نیازهای واقعی انسان وضع شده باشد. این نیازها آن چیزی است که فطرت انسان آن‌ها را می‌طلبد. در نتیجه

دین که همان اصول و قوانین عملی است که سعادت واقعی انسان را ضمانت می‌کند، باید از نیازها و اقتضاهای خلقت انسان منشأ گرفته باشد. «خداوند با لطف و عنایتش مردم را بر فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه آفریده است» (خمینی، ۱۳۷۷: ۷۷).

۲. مقتضای حکمت

مقتضای حکمت، عدالت و رحمت الهی، فطری بودن آموزه‌های دینی است؛ زیرا:

۱. انسان دارای سرشت و خصائل ذاتی مشخصی است.
۲. در صورت عدم تطابق و تلائم تشریح الهی با تکوین آدمی، اعتقاد و التزام به دین، نه فقط غیرمطبوع، بلکه غیرمقدور می‌بود. این مسئله هم برخلاف حکمت الهی و هم برخلاف رحمت و اسعۀ اوست و به طریق اولی، مخالف عدالت خداوند متعال نیز خواهد بود. پس تعالیم الهی باید فطری باشد (رشاد، ۱۳۸۳: ۱۲۴).
- حتی امام (ره) لزوم احترام به کسی که نعمتی به انسان داده است (قاعدهٔ اکرام منعم) را هم از احکام فطری انسان می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱).

ب) ادلهٔ نقلی

۱. آیات

آیات دال بر فطرت، به شرح زیر است:

- آیاتی که به نوعی دلالت بر جهانی شدن دین اسلام و قرآن دارد:

مانند آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» تو را به پیامبری نفرستادیم، مگر بر همهٔ مردم، مژده‌دهنده و بیم‌دهنده‌ای، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (سبا: ۲۸).

براساس این آیات، آموزه‌های دینی و قرآنی، جهانی و جاودانه است و مقتضای فرا اقلیمی و فراتاریخی بودن دین اسلام، این است که اسلام امری فطری باشد. به عبارت دیگر، ثابت بودن بخشی از احکام الهی در عین اینکه در بستر متحول زمان و مکان قرار دارد، به خاطر این است که این گونه احکام مطابق فطرت و سرشت انسان است که هویت و فطرت انسانی، ثابت و دائمی است و هیچ‌گونه تغییری در آن راه ندارد.

- آیات تذکره

مراد از آیات تذکره، آیاتی است که قرآن را «ذکر»، «ذکری» و «تذکره» نامیده است یا پیامبر اکرم (ص) را «مذکر» خطاب می‌کند. این امور در جایی استعمال می‌شود که انسان قبلاً نسبت به چیزی معرفت داشته و فراموش کرده باشد. در این صورت، تذکر و یادآوری، آن معرفت پیشین را شکوفا می‌کند. در سرشت انسان، فطرت توحیدی و گرایش به عالم ابدی به نام معاد تعبیه شده بود و با تذکر و یادآوری، آن دانش و گرایش فطری دوباره شکوفا و بیدار می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۸). از همین جهت، قرآن کریم، گاه فطرت آدمیان را مورد خطاب و سؤال قرار می‌دهد تا آنان با رجوع به فطرت و وجدان خویش به حقیقت‌های دینی اذعان کنند (رشاد، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

۲. روایات

فطرت در آینه روایات نیز براساس محتوای قرآنی آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۹۳). در حدیثی رسول خدا (ص) فرمودند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ» (صدوق، بی تا، ج ۹: ۳۳۱؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۵) هر نوزادی بر فطرت متولد می‌شود. امام باقر علیه‌السلام در تفسیر این حدیث فرموده‌اند: انسان‌ها بر فطرت خداشناسی آفریده شده‌اند (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۸۰). امام صادق علیه‌السلام نیز فطرت در این حدیث را به معرفت تفسیر کردند: «تَبَيَّنَتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِهِمْ. شناخت در دل‌های آنان تثبیت شده است» (خمینی، ۱۳۷۳: ۱۸۰). امام باقر علیه‌السلام شریعت نوح علیه‌السلام را که پرستش خدای یگانه، اخلاص و نفی شرک بود، همان دین فطری که عموم مردم بر آن هستند، معرفی کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۹۳). پس دینداری فطری انسان است؛ یعنی هدایت به سعادت در نهاد انسان گذاشته شده و خلقت انسان به گونه‌ای است که به دین الهی توجه دارد. در یک تعریف کلی، فطرت ویژگی است که انسان‌ها از هر نژاد و تیره‌ای، در هر منطقه و مرزی، از هر مذهب و ملتی به آن باور و تمایل دارند و خود را در این آگاهی و باور نیازمند دلیل و استدلال نمی‌دانند (هاشمی‌نژاد، بی تا: ۱۹۵)؛ بنابراین فطرت نوعی هدایت تکوینی انسان در قلمرو شناخت و احساس است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۹: ۱۸).

آنچه به‌عنوان یک مصداق مهم، برای فطری‌بودن اسلام که همه انسان‌ها، آن را تجربه کرده باشند، این است که همه در نهاد خود به‌دنبال یک معبود نیرومند و توانا می‌شوند. این احساس، طبق آیه ۶۵ سوره عنکبوت، احساسی است که از سر اخلاص بندگان است. این ندای فطری که ممکن است سال‌ها دفن شده باشد و حتی پس از رفع خطر و نیاز به فراموشی سپرده شود، بیانگر فطری و نهادینه‌بودن آن در ذات انسان دارد که در وقت خطر، بروز خارجی پیدا می‌کند.

جامعیت اسلام

اسلام به‌مثابه یک دین جامع و کامل، ناظر به همه ابعاد حیات بشری و دارای عمیق‌ترین و عالی‌ترین معارف عقلی و تعالیم معنوی، عرفانی و اخلاقی و قوانین متقن و دستورات عملی برای حیات فردی و اجتماعی است. قرآن را از آن جهت می‌توان جامع‌ترین کتاب دانست که در آن هم به جهات اجتماعی انسان و هم به جهات فردی، هم به امور دنیوی و هم امور اخروی انسان توجه شده است (الهامی، ۱۳۵۲: ۶۳). از دیدگاه امام خمینی (ره) اسلام فقط منحصر در بخش‌های اعتقادی نیست، بلکه در همه عرصه‌های موردنیاز انسان معاصر از جمله علم، فرهنگ، سیاست و اقتصاد مدعی پاسخگویی است. جامعیت اسلام شامل بعد فردی و اجتماعی است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۰۰). اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نکرده است (خمینی، ۱۳۶۹: ۱۸).

قرآن کریم در آیات فراوانی با تعبیری مانند «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)، «تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» (یوسف: ۱۱۱)، «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) و مانند آن، بر جامعیت اسلام و نیز در آیه زیر بر کامل‌بودن دین اسلام تصریح کرده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳). امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم؛ بنابراین تمام آنچه ملت احتیاج دارد در کتاب و سنت هست و در این شکی نیست (خمینی، ۱۳۸۱: ۲۹).

اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این است که دین نمی‌تواند در تمام عرصه‌های زندگی مادی و معنوی، همه مسائل نظری و عملی را در سطح کلان و جزئی بیان کند و جامع همه علوم و معارف بشری باشد؛ چرا که لازمه معارف بشری به علت تأثیر محدودیت‌های تاریخی، اجتماعی، زبانی و معرفتی انسان خطاپذیری است. در حالی که دین الهی که از محدودیت‌های مذکور مصونیت دارد، دارای ویژگی خطاناپذیری است؛ بنابراین نمی‌تواند با علوم و معارف بشری همراه باشد؛ زیرا در صورت بطلان فرضیه‌ها و داده‌های عقلانی بشر یا باید دین را تأویل برد یا قائل به بطلان آن شود. افزون بر آنکه خود معارف و علوم بشری نیز با یکدیگر ناسازگاری‌های فراوانی دارند. باطل شدن فرضیه‌هایی مانند فرضیه افلاک نه‌گانه روشن کرد چنین تلاش‌های عجولانه‌ای برای هماهنگ‌جلوه‌دادن دین و علم بزرگ‌ترین ضربه را بر پیکره دین وارد خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۲۲۹-۲۳۱).

از سوی دیگر، اینکه قائل باشیم که دین همه مسائل نظری و عملی را در سطح کلان و جزئی بیان کرده است، با جاودانگی آن در تضاد است؛ زیرا رمز جاودانگی قرآن آن است که خود را در قالب مخصوص و برنامه‌ای محدود محصور نمی‌سازد و جزئیات و برداشت متناسب به زمان و مکان را به اندیشمندان دین می‌سپارد تا از قالب‌های کلی استخراج کنند. از دیدگاه اسلام انسان یک موجود مادی محدود به این دنیا نیست، بلکه موجودی فراتر از ماده و دارای زندگی جاوید است که همه شئون و اعمال او با سرنوشت نهایی او ارتباط دارد «الدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةُ» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۷۰: ۲۲۵). «الْيَوْمَ عَمَلٌ وَّلَا حِسَابٍ وَّغَدًا حِسَابٌ وَّلَا عَمَلٍ» (همان). از این رو نوع رفتار اجتماعی و سیاسی که انسان برمی‌گزیند، مانند رفتارهای فردی او در سعادت و خوشبختی یا شقاوت و بدفرجامی اخروی او تأثیر قطعی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶-۵۰)؛ بنابراین دینی که علاوه بر مسائل فردی به مسائل اجتماعی انسان و سعادت و هدایت جامعه می‌اندیشد، نمی‌تواند نسبت به اجرای احکام و چگونگی اداره جامعه، تعیین ساختار حکومت، اصل عدالت و قیام به قسط، ایجاد تعاون و امنیت در جامعه و... نظری نداشته باشد. حسب نظر امام (ره)، نسبت اجتماعیات قرآن به آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است (خمینی، ۱۳۸۱: ۱۱).

رویکرد متعادل

جامعیت دین را باید در راستای هدف و رسالت آن ملحوظ داشت و باید از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه پرهیز کرد. با نگاهی اجمالی به قرآن و روایات درمی‌یابیم که هدف دین، تأمین سعادت دنیا و آخرت او است و چون امور دنیوی و مناسب اجتماعی تأثیر شگرفی در روحيات و کمال انسان و تأمین سعادت واقعی وی دارند، دین خاتم هرگز نمی‌تواند از دخالت در این امور چشم‌پوشی کند و باید برای تمام آن‌ها برنامه‌ای جامع ارائه دهد. «بدان که این کتاب شریف، چنانچه خود بدان تصریح فرموده، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی‌الله است» (خمینی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). به بیان دیگر، قرآن برنامه سعادت انسان را بر اعتقاد به یگانگی خدا بنا نهاده است؛ آنگاه اعتقاد به معاد را از آن نتیجه می‌گیرد و سپس پیغمبرشناسی را از اصل معاد اخذ می‌کند. پس از این سه اصل اساسی و علاوه بر اعتقادات دیگر، به بیان اصول اخلاق نیکو و صفات حسنه‌ای می‌پردازد که مناسب با اصول مزبور باشد؛ بنابراین مقصود از جامعیت دین آن است که در راستای هدف و رسالت خود، رئوس کلی همه معارف لازم را برای تحقق این هدف در اختیار بشر قرار دهد؛ به گونه‌ای که بشر با تطبیق آن اصول کلی به صورت نظام‌مند، بتواند معارف و راهنماهای موردنیاز را برای رسیدن به سعادت خویش به دست آورد (ربانی گلپایگانی، بی تا: ۱۶) به تعبیر امام (ره) «قرآن کتاب تعمیر مادیت نیست... مادیات را قبول دارد، در پناه معنویات و مادیات را تبع معنویات قرار می‌دهد. قرآن همه چیز است و انسان را به تمام ابعاد تربیت می‌کند» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۵۳۲).

اثبات جامعیت دین

جامعیت دین اسلام را می‌توان از دو راه اثبات کرد:

الف) دلیل عقلی

تبیین این دلیل، به چند مقدمه نیاز دارد:

۱. خداوند حکیم، آدمی را برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت جاودانه آفریده است.

۲. زندگی دنیا مقدمه زندگی آخرت و سعادت و شقاوت ابدی در گرو چگونگی زیستن در این جهان است.
۳. شرط لازم برای سعادت‌مندی در جهان آخرت، منوط به شناخت چگونگی رابطه اعمال با نتایج اخروی آن است؛ زیرا تا زمانی که این رابطه روشن نباشد، چگونه می‌توان برنامه صحیح و همه‌جانبه‌ای برای زندگی این جهان پی‌ریزی کرد.
۴. ابزار عمومی شناخت (حس و عقل) از درک چگونگی روابط اعمال و رفتار دنیوی با نتایج اخروی ناتوان است؛ بنابراین، مقتضای حکمت خداوند این است که با ارسال رسول و انزال کتب، برنامه‌ای جامع و کامل فراروی انسان قرار دهد تا آدمی براساس آن، راه صحیح زندگی و برنامه سعادت خود را بشناسد.

ب) دلایل نقلی

۱. آیات

۱. «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) و این کتاب را که روشنگر هرچیز و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم. یکی از صفات عمومی قرآن، «تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» است؛ چرا که قرآن کتاب انسان‌سازی و برای تکامل فرد و جامعه، در همه ابعاد معنوی و مادی نازل شده است. منظور از «کُلِّ شَيْءٍ»، همه اموری است که برای پیمودن این راه هدایت لازم است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲: ۳۶)؛ یعنی آنچه در سعادت و هدایت انسان تا روز قیامت مؤثر است؛ اعم از مسائل ارزشی و اخلاقی، معارف حقیقی مربوط به جهان‌بینی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی یا مسائل مربوط به جهان هستی در آن بیان شده است (مصباح یزدی، بی‌تا: ۱۶۳).
۲. لازمه آیه‌ای که دلالت بر جهانی‌بودن دین اسلام دارد این است که دین خاتم، متناسب با جوامع مترقی دیگر (غیر از جزیره العرب) که نیازهای بشری داشت و معارف در سطح بالاتری را می‌طلبد، نیز سخنی داشته باشد تا مایه هدایت و راهنمایی آنها نیز باشد و این امر شاهدی بر جامعیت دین اسلام است.

۳. آیات دال بر خاتمیت؛ یکی از ویژگی‌های دین خاتم، جاودانگی آن است که ظهورش توأم با پایان‌یافتن و مختومه‌شدن دفتر نبوت بوده است و احکام و تعالیم آن، برنامه حیات‌بخشی را برای تمام انسان‌ها در طول اعصار ارائه می‌دهد. «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است (احزاب: ۴۰). «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود فرقان را نازل فرموده است تا برای جهانیان هشداردهنده باشد (فرقان: ۱). حال که اسلام آخرین دین الهی و آورنده آن خاتم پیامبران و تعالیم آن سند هدایت برای کل آدمی و او مکلف به وفاداری دائمی از آن است، چنین انتظاری پیش می‌آید که قرآن باید برای تمام انسان‌ها در اعصار مختلف سخن داشته باشد و زمینه هدایت همه را فراهم کند.

۲. روایات

روایات فراوانی نیز از معصومین درباره جامعیت دین خاتم نقل شده است که فقط به ذکر برخی از آن‌ها اکتفا می‌کنیم:

رسول اکرم (ص) در سفر حجة الوداع فرمودند: ای مردم، هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک و از آتش جهنم دور کند، مگر آنکه شما را به آن امر کرده‌ام و هیچ چیزی نیست که شما را به آتش جهنم نزدیک و از بهشت دور کند، مگر آنکه شما را از آن نهی کرده‌ام (کلینی، ۱۳۶۷: ۱، باب ۱۸، حدیث ۵).

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی قرآن را بیانگر هر چیزی قرار داده است؛ حتی به خدا سوگند که رها نکرده چیزی را که بندگان خدا به آن احتیاج داشته باشند؛ تا آنجا که کسی نمی‌تواند بگوید: ای کاش خداوند آن را در قرآن بیان می‌کرده و نکرده است (حویزی، بی تا: ۷۴).

جامعیت دین اسلام، آن را پاسخگوی تمام نیازهای انسان‌ها قرار داده است. برخی گمان می‌کنند چون اسلام دین جامعی است، پس باید در جزئیات نیز تکلیف روشن کرده باشد. اتفاقاً، جامعیت اسلام ایجاب می‌کند که اساساً در بسیاری امور، دستور نداشته باشد؛ از جمله حدیثی

است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ أَنْ يُؤْخَذَ بِرُخَصِهِ كَمَا يَجِبُ أَنْ يُؤْخَذَ بِعَزَائِمِهِ» خداوند دوست دارد مردم را در مسائلی که آزاد گذاشته است، مردم هم آزاد باشند؛ یعنی مسائل آزاد را آزاد تلقی کنند (حر عاملی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۸۱).

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَدَّ حُدُوداً فَلَا تَعْتَدُوهَا وَفَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تَنْقُصُوهَا وَ سَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ يَسْكُتْ عَنْهَا نِسْيَاناً لَهَا فَلَا تُكَلِّفُوهَا» خداوند یک چیزهایی را واجب کرده است، آن‌ها را ترک نکنید، یک چیزهایی را هم ممنوع اعلام کرده است؛ به آن‌ها تجاوز نکنید و در مورد بعضی از مسائل سکوت کرده است؛ البته نه از روی فراموشی، بلکه خود خواسته است سکوت کند و بندگانش در آن مسائل آزاد و مختار باشند (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۵). همین ظرفیت، اسلام را در جایگاهی قرار داده است که بتواند ایده و نظر خود را در همه مسائل اظهار کند. امام معتقد است حق تشریح و قانون‌گذاری حکومتی ولی فقیه فقط به موارد فاقد نص محدود نمی‌شود (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۸۹). به عبارتی امام اباحه لا اقتضائیه را اباحه‌ای عقلی می‌داند و در مقابل، آن اباحه‌ای را که مقتضی از جواز شرعی باشد، اباحه شرعی برمی‌شمارد که دارای حکم شرعی است (سبحانی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۲۳۵).

فقه در تمامی حیطه‌های حیات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی جامعه می‌تواند پاسخگو باشد. در عین حال که در نظر امام برخلاف نظر بعضی از فقها، در صورت نبود یا اجمال نص و عدم تشخیص حکم واقعی در تعیین حکم ظاهری، به‌خصوص در حوزه نظام اجتماعی و عمومی، بر اباحه به‌جای احتیاط، تأکید و تصریح می‌شود؛ چرا که ایشان عمل به احتیاط را در این‌گونه موارد منشأ عسر و حرج و اختلال در نظام اجتماعی مسلمانان و برقراری حکومت اسلامی می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۹۹).

حال، آنچه به‌عنوان یک مصداق مهم برای جامعیت اسلام می‌توان نام برد که همه انسان‌ها آن را تجربه کرده باشند این است که اسلام در ریزترین و کوچک‌ترین مطالب تا بالاترین و والاترین آن‌ها ورود کرده است. البته در برخی موارد، آن را به عقل سلیم واگذار کرده است؛ مثلاً اسلام درباره نحوه ورد به بیت‌الخلاء، آداب استحبابی دارد و تا رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی با انسان همراه است. بنابراین، هر مسلمانی قلباً یقین دارد که در هر مسئله‌ای (مسائل قدیمی یا مستحدثه) و در هر شبهه‌ای، اسلام پاسخی درخور آن دارد. به عبارتی هیچ حرکت و عملی از

فرد یا جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است (حییبی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۸۹). پس قلباً راضی می‌شود در هر جایی، در هر امری و در مواجهه با هر مشکلی اسلام نیز رد پایی در آن مسائل دارد.

عقلایی بودن اسلام

روح هر تمدنی را عقلانیتی که پشتوانه آن است، تشکیل می‌دهد. افول و علو تمدن‌های بزرگ را باید در قوت و ضعف عقلانیت آن‌ها جست‌وجو کرد. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های جهانی شدن و مقبولیت عام یک فرهنگ، عقلایی بودن آن است. عقلایی بودن احکام شرعی، از جمله شاخصه‌های کارآمدی احکام است؛ یعنی مورد قبول عرف عقلاء است. مهم‌ترین رکن اساسی یک دین، «خداشناسی» است. در این راستا آموزه «توحید» در اسلام، خردپذیرترین آموزه است و ادله متقن بسیاری بر آن گواهی می‌دهد (شاکرین، ۱۳۸۴: ۲۲۵).

ویژگی‌های عقلانیت اسلامی

این ویژگی‌ها، در پناه عقلی قابل‌درک است که به صفات زیر متصف باشد:

۱. الهی بودن که مهم‌ترین ویژگی عقل از منظر اسلام است (طباطبایی، بی تا: ۴۳)؛ زیرا عقل مخلوق خدا است و این یعنی حقیقت عقل از تنزلات الهی است (خمینی، ۱۳۹۵: ۲۵)؛
۲. حاکمیت آن بر امیال؛ اگر نور را عبارت از تجلی ذات حق بدانیم (همان: ۳۱)، براساس روایت «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۱). پس می‌توان نتیجه گرفت عقل حاکم بر امیال است؛
۳. همراهی آن با تقوا؛
۴. حق‌پذیری؛ «قوة عاقله، قوة روحانیه‌ای است که به حسب ذات، مجرد و به حسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است» (خمینی، ۱۳۹۵: ۲۱). عقل حجت باطنی الهی است که دست انسان را در بسیاری از امور می‌گیرد و به سوی حقیقت و راستی رهنمون می‌کند؛ مگر اینکه در گرو هوس قرار گرفته باشد (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۱)؛
۵. خداگرایی و آخرت‌گرایی؛ آن‌چنان که رسول خدا (ص) فرمودند: «خردمند کسی است که خدا را یگانه شمارد و در طاعت او کوتاهی نکند» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۷۴: ۱۶۰).

مسئله عقلانیت، خردپذیری و بالاتر از آن خردپروری، در سرتاسر دین اسلام نمودار می‌شود؛ از جمله در:

۱. نظام فکری و عقیدتی اسلام؛

۲. نظام اخلاقی اسلام؛

۳. نظام رفتاری و قوانین و دستورات عملی؛

۴. دعوت به تحقیق و پرسشگری در انتخاب دین.

خردپذیری آموزه‌های اسلام، از چنان وضوحی برخوردار است که قرآن مجید، آدمیان را به بررسی هوشمندانه و انتخاب خردمندانه دین دعوت و هرگونه اجبار و پذیرش کورکورانه دین را نهی می‌کند. آیات زیر مؤید این مدعا است. «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۷-۱۸) بشارت بده بندگانم را، آنان که به سخنان مختلف گوش فرامی‌دهند و برترین را برمی‌گزینند. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶). هیچ‌گونه تحمیل و اجبار در امر دین روا نیست؛ زیرا به‌خوبی راه هدایت از ضلالت روشن شد.

پروفسور لگنهاوزن می‌گوید: «چیزی که در اسلام بیش از همه برای من جاذبه داشت این بود که چقدر این دین از پرسش‌های انسان استقبال می‌کند و همواره دعوت به تحقیقات بیشتر در تعالیم دین می‌کند. از جمله چیزهایی که برای بنده خیلی جالب بود این بود که در اسلام نگفته‌اند اصول دین را چشم و گوش بسته بپذیر، بلکه دعوت کرده‌اند که بپرس. به‌ویژه این خصلت در میان شیعیان خیلی بیشتر است» (لگنهاوزن، ۱۳۸۰: ۵). البته یک نکته مهم است که پس از آنکه با عقل، خدا، پیغمبر و قرآن را دریافتیم، در چیزهایی که عقل، صلاح و فساد آن را نفهمد، رجوع به پیغمبر و قرآن می‌کنیم و تسلیم آن‌ها می‌شویم و از آن‌ها می‌پذیریم (خمینی، بی‌تا: ۱۰۳).

آنچه به‌عنوان یک مصداق مهم، برای وجه عقلایی اسلام می‌توان نام برد، نخست دعوت به تفکر و عقلانیت در همه جای قرآن و روایات است؛ دوم، وجه عقلایی حرمت اموری که اسلام بیش از ۱۴۰۰ سال پیش اعلام کرده است، امروزه با پیشرفت علوم روشن شده است؛ برای مثال، روشن‌شدن حکمت حرمت مصرف گوشت خوک یا حرمت استفاده از طلا برای مردان که علم کشف کرده است که گلبول‌های قرمز مردان را از بین می‌برد و موجب عقیم‌شدن وی می‌شود.

نتیجه‌گیری

کشف ظرفیت‌های دین اسلام برای جهانی‌شدن در عرصه تقابل فرهنگ‌ها امری مهم است تا بتوان با مدیریت، عرصه جهانی‌شدن را به این دین اختصاص داد. حوزه فرهنگ، مهم‌ترین جزء جهانی‌شدن است. با پیشبرد اهداف در این حوزه، اقتصاد و سیاست و اجتماع هم براساس آن گام برمی‌دارند. متولیان فرهنگی در عصر جهانی‌شدن باید مشخص کنند می‌خواهند در نظام جهانی چه جایگاهی داشته باشند. برای پاسخ به این سؤال، شناخت دو چیز مهم است: ۱. وضعیت دنیای کنونی؛ ۲. ترسیم آینده جهان براساس دیدگاه خود.

یافتن ظرفیت‌های فرهنگ اسلام، می‌تواند مقابله با دیگر فرهنگ‌ها را در پی داشته باشد. انزوای فرهنگی نه فقط نتیجه‌بخش نخواهد بود، بلکه به حذف آن فرهنگ منجر خواهد شد؛ بنابراین برای رسیدن به جایگاه جهانی در شأن تمدن اسلامی، چاره‌ای جز شناخت و شناساندن این فرهنگ به دیگران نیست؛ که این خود، با ارتباطات بین‌فرهنگی حاصل می‌شود. ماندن در صحنه فرهنگ جهانی، اولین گام برای غلبه در این عرصه است. پس با توجه به مؤلفه‌هایی که در فرهنگ اسلام برای جهانی‌شدن وجود دارد، مانند فطری بودن، جامع بودن، عقلانی بودن و با توجه به نگرش اسلام به دنیا و آخرت و بهشت و جهنم می‌توان اسلام را در معرض تفکر همه مردم جهان برای انتخاب یک جهان‌بینی فطری، عقلانی و جامع قرار داد. البته براساس سیاست جهانی اسلام، هرگونه سیاست فرهنگی جهانی باید دو اصل اساسی را در نظر داشته باشد:

۱. ارزش‌های فرهنگی در سطح نظام بین‌الملل نباید با فطرت سلیم انسانی و قواعد اساسی آن مقابله کند.

۲. سیاست فرهنگ جهانی اسلام، کمال‌طلبی انسان است. سیر تحول جوامع باید به سوی این کمال طی شود؛ بنابراین در مواجهه با ارزش‌های مغایر، به عظمت فرهنگ اسلام و برتری آن بیشتر پی برده می‌شود و همین امر، به نهادینه‌شدن فرهنگ اسلامی کمک خواهد کرد.

منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳). *عوالی الثالی*، قم: مؤسسه سیدالشهداء.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴). *معجم‌المقاییس اللغة*، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن منظور، جمال‌الدین ابوالفضل (۱۴۱۶). *لسان‌العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۹۲). *تقریرات فلسفه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). *آرمان‌های انقلاب از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)*. *مجله اندیشه حوزة*، ۱۲.
- الهامی، داود (۱۳۵۲). *اسلام دین جهانی و جاویدانی*. بی‌جا: مرکز انتشارات دار.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. تهران: دانشگاه تهران.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن و فرهنگ*. ترجمه محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*. قم: اسرا.
- _____ (۱۳۸۶). *رحیق مختوم*. قم: اسرا.
- _____ (۱۳۸۷). *فطرت در قرآن*. چاپ پنجم. قم: اسرا.
- حبیبی، ضامن علی (۱۳۸۹). *مبانی کلامی حکومت دینی در اندیشه امام خمینی (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۲۴). *وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵). *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حویزی (بی‌تا). *نور‌التقلین*. قم: مطبعه‌الحکمه.
- خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *کشف‌الاسرار*. تهران: محمد.
- _____ (۱۳۶۲). *طلب و اراده*. تهران: علمی و فرهنگی.

- _____ (۱۳۶۹). وصیت‌نامه الهی-سیاسی امام خمینی (ره). تهران: اسوه.
- _____ (۱۳۷۰). صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف). تهران: تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۷۲). ره عشق. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۳). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۴). دیوان امام. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۶). تفسیر سوره حمد. چاپ سوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۸). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۰). آداب الصلوة. چاپ دهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۱). ولایت فقیه. چاپ یازدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۹). مصباح الهدایة الی الخلاقه و الولایة. مقدمه سید جلال آشتیانی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۹۵). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۹۸). انوار الهدایة فی التعلیقہ علی الکفایة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ دادفر، مژگان (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی و رویکردی معنوی به جهان سیاسی. مجله اندیشه / انقلاب اسلامی، ۲.
- _____ رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰). جهانی‌شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر ثالث با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. قم: نوید اسلام.
- ربانی گلپایگانی، علی (بی‌تا). *فطرت و دین*. تهران: مؤسسه فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۹). *جامعیت و کمال دین*. بی‌جا: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۳). *فلسفه دین*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سبحانی، شیخ جعفر (۱۴۲۱). *تهذیب الاصول: تقریر درس اصول امام خمینی (ره)*. تهران: عروج.
- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۴). *پرسمان سکولاریسم، مشکلات کلامی مسیحیت*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). *قواعد فقه سیاسی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صدوق، ابن بابویه (بی‌تا). *التوحید*. قم: جامعه المدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- _____ (بی‌تا). *انسان و اسلام معاصر*. قم: رسالت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). *قاموس المحيط*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). *المصباح المنیر*. قم: دارالهجره.
- کرجی، علی (۱۳۷۵). *اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۷). *الاصول من الکافی*. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لگنهاوزن، محمد (۱۳۸۰). *با پرسش زنده‌ام. ماهنامه پرسمان*، پیش شماره اول، خردادماه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۷). *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار*. تهران: کرامت.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۶). *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). *معارف قرآن*. جلد چهارم (راهنماشناسی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۱). *نظریه سیاسی اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- _____ (بی‌تا). *قرآن‌شناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۲). *تفسیر نمونه*. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نکویی سامانی، مهدی (۱۳۸۷). *اسلام و جهانی‌شدن، تعامل یا تقابل*. ماهنامه معرفت، سال هفدهم، ۱۰.

- ویلیامز، مارک (۱۳۷۹). *بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۱ و ۱۲.
- هاشمی‌نژاد، عبدالکریم (بی‌تا). *هستی‌بخش*. چاپ سوم. تهران: طوس.